

بسمه تعالی

دکتر محمد اسماعیل اکبری
محمد اکبری

کلامی دیگر: دولت و شرکت های دانش بنیان

چندین سال است که نوای خوش تولید علمی از حلقوم شرکت های دانش بنیان بیرون آمده است در این شرکت ها با بهره گیری از توانمندی های افراد عالم و عامل و حمایت همه جانبه دولت بخشی از نیازهای بازار داخل و بعضی کشورهای خارج پاسخ داده می شود .

منبع تولید انسانهای عالم و عامل معمولاً نهادهای دولتی و یا وابسته به دولت هستند، دانشگاهها، انستیتوهای تحقیقاتی و فن آورانها، و ساختارهای حاکمیتی که منابع اصلی برای تجمیع و تولید نیروی انسانی هستند ، با سرمایه گذاری های بسیار زیاد و دراز مدت این افراد تربیت و آماده شده اند. دانشگاههای علوم پزشکی و دانشگاههای مرتبط با وزارت علوم تحقیقاتی و فن آوری ، انستیتو تحقیقاتی پاستور انستیتو تحقیقاتی رازی (وابسته به وزارت کشاورزی) ، سازمان انتقال خون و سازمان انرژی اتمی (وابسته به دولت جمهوری اسلامی ایران) . مصداق های بارز چنین ساختارهایی مولد نیروی انسانی کارآمد هستند.

آنچه دولت جمهوری اسلامی ایران انجام داده است ، بسیار مشابه رفتارهای کشورهای غربی پیشرفته و یا کشورهای در حال توسعه پیشرفت جهان مثل کره جنوبی ، برزیل، مالزی و... است.

اما آنچه من کلامی دیگر می خوانم تفاوت عملکرد دولت ها در ایران و آن کشورهاست. دو موسسه بزرگ بیوتکنولوژی انستیتو پاستور و موسسه تولید واکسن رازی حدود ۳۰-۴۰ سال قبل داروهای بیولوژیک مورد نیاز کشور مثل انسولین ، واکسن های دامی ، واکسن های انسانی را می ساختند. مردم ایران با واکسن های تولیدی رازی و پاستور واکسینه شده و ما اولین کشورهای

بودیم در منطقه که به هدف تامین ایمنی مردم با تولید خودمان رسیدیم و این افتخار به نام این موسسات بزرگ تولیدی ثبت شد سازمان انتقال خون هم تولیدات اعجاز آوری از فرآورده های خونی در ۳۵-۴۰ سال قبل داشت و اولین سازمان استاندارد علمی انتقال خون در منطقه غرب آسیا بود.

این موسسات غیر از تولید فرآورده های مهم ، انسان های کارآمد هم تولید میکردند و ترکیب خوبی از دانشگاهها و موسسات فن آورانه پاسخ گوی نیازهای کشور می بود. تا اینکه شیپور خوش نوای شرکت های دانش بنیان به صدا درآمد . در دانشگاهی و موسسات وابسته به دولت ، عالمان عامل این صدا را شنیدند و با دعوت دولت ها به میدان عمل آمدند که بنظر می آید کارهای خوبی هم کردند ، اما مدیریت علمی کشور، این مسئله را همه جانبه ندید. همان آدم ها که چرخ های علمی حوزه های اساسی کشور را می چرخانند، از موسسات خارج شدند تا چرخ های کوچکتری را اما این بار به نام خودشان بچرخانند. و این شد که موسسات بزرگ ملی ما خالی شدند و می شوند اگر چه واحد های کوچک دیگری راه می افتد ، سطحی به وسعت فضای تاسیس شرکت های دانش بنیان که محل مناسبی برای رشد ماهی قرمز کوچولوست. اما نه به عمق آنچه که باید نهنگ های مورد نیاز ملی را تربیت کنند. در یک سخنرانی از دکتر ماها تیر حمد ، آن روزها که پایه های مالزی مدرن را مهندسی می کرد پرسیدم آقای دکتر (او هم پزشک بود در یک کلام برای مالزی) چه کردی که می گویند خوب کردی؟

جواب داد ، دولت را کوچک کردم ، علمی کردم، مجتهد کردم و خدمتگزار بخش خصوصی نمودم. وزرای من در کابینه موظف بودند که گزارش بدهند ، چگونه تولید را بالا ببرند ، تجارت را رونق می دهند و با چه هزینه ای این کار را می کنند هیچ طرحی نباید منجر به تعطیلی هیچ واحد تولیدی شود مگر هزینه اثربخش نباشد.

روزی هم در هلند با پیر مردی مواجه شدم که نشانی بر سینه داشت و در همه جا منجمله مترو و رستوران و ... مورد احترام بود. پول پرداخت نمی کرد و دختر جوانی هم او را همراهی می کرد. تا مجری دستوراتش باشد. شانس گفتگو دست داد و پرسیدم ، این نشان چیست که اینقدر حرف دارد

، جواب داد من معلم دانشکده کشاورزی هستم، هنوز هم هستم اگر چه بازنشسته ام. چندین نوع "گل" را تولید کرده ام که برای کشور ثروت آورده است. در این کشور هر کسی تولید ثروت کند، همیشه ثروتمند است حرف های دکتر ماهاتیر محمد را در کنار رفتار دولت هلند و عملکرد این استاد بازنشسته دانشگاه گذاشتم. بعد هم به خالی شدن موسسات بزرگ ملی از اساتید عالم و عامل اندیشیدیم. فرمول پیچیده ای حاصل شد. که نتوانستیم حلش کنیم. شرکت های دانش بنیان خوب هستند، با پول و پشتیبانی دولت ایجاد می شوند، بعضی نیازهای کشور را پاسخ میدهند، اما گاهی زیرساخت ها بدلیل این توسعه متزلزل می شود.

آنوقت فهمیدم که دولت مردان را کلاهی دیگر باید تا قدرت همه جانبه نگری بر روش های خلاق خود برای پاسخگویی به نیازها را داشته باشند.

شرکت های دانش بنیان معمولاً تک محصولی هستند و با افرادی که در یک موسسه جامع، قطعه ای از یک پازل بزرگ بوده اند تاسیس می شوند. وام ۱۴ درصدی می گیرند و محصولانشان با حمایت دولت محترم با ۹ درصد سود به بازار داده میشود.

اما آنچه زمین می ماند نقص های پازل بزرگ است که قطعه ای از آن را در محل دیگری به نمایش گذاشته ایم. نقص این پازل بزرگ را چه کسی باید جبران کند و چه کسی پاسخگوست، روشن نیست.

اصل ۴۴ قانون اساسی به یادم آمد و آن روزهای پر شود بحث و مذاکره در مجلس قانونگذاری و نهایتاً عملکرد امروز که نشنیدم آن کند که دکتر ماهاتیرمحمد می گفت:

دولت این مهم را به معاونت محترم علمی رئیس جمهور واگذاری کرده است، که باید استراتژی توسعه را با توجه به بنیان علم در پیش بگیرد. توسعه علمی، پایدارترین و موثرترین توسعه است، اما اگر این دیدگاه همه جانبه نباشد این می شود که یک موسسه بزرگ و ملی بیولوژیک چلچراغهایش خاموش می شود تا ده چراغ کوچک سوسو بزند

توصیه می شود تا دیر نشده خوب ببینیم، کار درست بکنیم و کار را درست انجام دهیم.